

برنام خدا

۹۲
اشعار انتقادی سیاسی، اخلاقی از مشروطیت تا انقلاب

تنها انقلاب خطرناک، انقلاب گرسنگان است (ناپلئون)
حقایق را بگویید و مردم را آگاه کنید و مطمئن باشید
کشته می شوید (ولتر)

تا به کی با جان و مال مردمی بی خانمان
صبح عید و ظهر جشن و شب چراغانی کنند
(فرخی)

به همت علی ترابیان پور

سرشناسه : ترابیان پور، علی، ۱۳۴۵ -، گردآورنده
 عنوان و نام پدیدآور: اشعار انتقادی سیاسی، اخلاقی از مشروطیت تا انقلاب /
 به همت علی ترابیان پور.
 مشخصات نشر : قم: بوستان دانش، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ۹۶ ص.
 شابک : ۵۰۰۰۰ ریال: ۱-۲۹-۵۹۹۱-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت : کتابنامه .
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۳ ق. -- تاریخ و نقد
 موضوع : شاعران ایرانی -- قرن ۱۳ ق. -- سرگذشتنامه
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۳ ق. -- مجموعه ها
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه ها
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۳ الف ۴/۳۷۹۱ PIR
 رده بندی دیویی : ۸۱۶/۵۰۹
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۷۵۲۹۶

انتشارات بوستان دانش



آدرس: قم - خیابان ارم - پاساژ قدس - طبقه آخر - بلاک ۱۷۱
 تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۹۶۶۶۶ فاکس: ۰۲۵۳۷۷۴۹۶۶۶۲ همراه: ۰۹۱۲۱۵۱۳۷۶۴
 E-mail: n.bostanedanesh@yahoo.com

نام کتاب: اشعار انتقادی سیاسی، اخلاقی از مشروطیت تا انقلاب
 ناشر- طراح جلد: بوستان دانش
 مولف: علی ترابیان پور
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 چاپ و صحافی: دژ
 نوبت و تاریخ چاپ: اول ۱۳۹۳
 شابک: ۱-۲۹-۵۹۹۱-۶۰۰-۹۷۸
 قیمت: ۵۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ

فهرست مطالب

۳۴.....	خیزید ز بیدادگران داد بگیرید	۵.....	مقدمه
۳۵.....	زاهد مردم فریب	۷.....	به نام خداوند دانای حکیم
۳۶.....	کاخ زورآوران	۱۲.....	اشک یتیم
۳۶.....	می کند در مملکت غارتگری	۱۲.....	پروین اعتصامی
۳۷.....	آتش ظلم در این خاک نگرده خاموش	۱۳.....	ای رنجبر
۳۸.....	در محیط طوفان زای	۱۵.....	مست و هوشیار
۳۸.....	آزادی	۱۶.....	عارف قزوینی
۳۹.....	رباعیات سیاسی	۱۷.....	شهر تقوی
۴۲.....	ای توانا گیر دست ناتوان را	۱۸.....	در چاه استبداد
۴۳.....	پرتو بیضانی	ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت	
۴۳.....	وفای عهد	۱۹.....	عبدالرحیم ذاکر حسین
۴۴.....	از نسیمی دفتر ایام بر هم می خورد	۱۹.....	چرا این زمستان بهاران ندارد
۴۴.....	مذمت ظالم	۱۹.....	گیتی افسرده است
۴۵.....	مذمت ظلم	۲۰.....	مرگ آزادی
۴۶.....	عدالت از نظر شیر	۲۵.....	ملک الشعراء بهار
۴۷.....	هیچکس جانا نمی سوزد چراغش تا به صبح	۲۶.....	شکوه از زندان
۴۷.....	آه مظلومان گریبانگیر ظالم می شود	۲۷.....	آن که با نمرود این احسان کند
۴۸.....	پند انوشیروان	۲۸.....	فرخی یزدی
۴۸.....	خوش میگذرد گر بگذارند	۲۸.....	در صف خوب فقیران
۴۹.....	هیچ آلوده دامن دزد مادر زاد نیست	۲۹.....	غزل اجتماعی، سیاسی
۵۰.....	عدالت در اشعار سعدی	۳۰.....	خروش دل
۵۰.....	قوام الدین حائری شاعری از باد رود	۳۰.....	در گلستان جهان
۵۱.....	از خدا بترس	۳۱.....	داد از دست غمت
۵۲.....	غفلت	۳۲.....	ظالم مظلوم کش هم تا ابد جاوید نیست
۵۳.....	تک بیت هایی از شیدا شاعر سخنور کاشان	۳۲.....	انصاف طاعتی است که کم از نماز نیست
۵۴.....	مار هر دو غریبیم	۳۳.....	فرخ آن شهر که از دولت عشق آباد است
۵۵.....	ای مسجدیان ما ره میخانه گرفتیم	اثر طبع حسن علوی، روزنامه طوفان عهد	
۵۵.....	قومی سوار اسب غرورند	۳۴.....	پهلوی اول

- ۷۷..... آه مظلومی دهد کاخ ستمگر را بباد
 ۷۷..... هرکه دامانش به خون بی گنه آلوده شد
 ۷۸..... هیچ کس دلسوز حال مردم مظلوم نیست
 ۷۹..... چرخ بازیگر روزگار
 ۸۰..... قانون
 ۸۰..... این مردم جن دارند
 ۸۱..... ز محتاجان خبر گیری که داری
 ۸۱..... خدمت به خلق خدا از هر عبادتی بالاتر است
 ۸۲..... سیف فرغانی خطاب به دنیا پرستان زورگو
 ۸۲..... مرد میدانی نزاید روزگاران را چه شد
 ۸۳..... قتگاه یاران
 ۸۴..... روح سرگردان
 ۸۶..... یک عمر توی دام شما زندگی کنم
 ۸۶..... سنگ حادثه
 ۸۷..... داد و فریاد از زبان بی زبانی می کنیم
 ۸۸..... ستم و ستمکار
 ۸۹..... ز میهن چراغ دلم روشن است
 ۹۰..... اعتبار مردمان باشد فولاد و طلا
 ۹۱..... دست گیری ز خلق
 ۹۱..... درفش کاویان
 ۹۲..... واعظ به منبر آمد
 ۹۳..... این چه شور است که در دور قمر می بینم
 ۹۴..... پیشگوئی حکیم ابوالقاسم فردوسی
 ۹۵..... مرگ با عزت
 ۹۶..... درد وطن
 ۵۸..... سودای بزرگی
 ۵۹..... بازار گرم بی هنران فریبکار
 ۵۹..... رباعی
 ۵۹..... سر شُداد بشکن
 ۶۰..... نور ناب
 ۶۰..... خون می چکد
 ۶۱..... این روزها قهر کردن کاری به علت ندارد
 ۶۲..... تلنگر مرگ
 ۶۳..... غباری بر نمی خیزد
 ۶۴..... موسم لعن و فصل نفرین است
 ۶۵..... شعری از زنده یاد حمید مصدق
 ۶۶..... گلاب قمصر
 ۶۶..... در قیر شب زنده یاد سهراب سپهری
 ۶۷..... باید به زبان دیگری داد سخن داد
 ۶۸..... کشته شمشیر عشق
 ۶۹..... ای شب پرستان
 ۷۰..... ایوان پی شکسته مرمت نمی شود
 ۷۰..... سنگ حادثه
 ۷۰..... هم کیش خویش
 ۷۱..... چشم شیر
 ۷۲..... عالم فاسد فساد انگیز کُل عالم است
 ۷۳..... قاف بی نشان
 ۷۴..... می کند دست طبیعت سقله گان را سربلند
 ۷۵..... ساده لوحی
 ۷۶..... کشور دل

ای که با نامت جهان آغاز شد دفتر سوم هم بنامت باز شد

مقدمه

ولتر نویسنده‌ی شهیر فرانسوی می‌گوید حقایق را بگوئید و مردم را آگاه کنید و مطمئن باشید که کشته خواهید شد.

لامارتین نویسنده معروف فرانسوی می‌گوید دسته گل خونین افتخار بر گور هر مرد کم مایه ای نخواهد رست.

غزالی از فلاسفه و بزرگان می‌فرماید از صدها هزار افراد بشر بیش از تنی چند با کفن خونین به سیه چال مرگ فرو نخواهند شد.

شیخ عطار از بزرگترین حکماء و عرفا چنین می‌فرماید:

خاک گورستان را بو کنید مزار رادمردان را از بوی خون بشناسید.

روشن اندیشی بود در روزگار ما گناه

هر سحر خورشید را از این گنه در خون کنند

(شیدا)

بس که تنگ افتاده بر مردم محیط زندگی

مرد با رغبت با پای خود به زندان می‌رود

(محمد وارسته)

از بیابان کوه اگر بیرون به باران می‌رود

از دلم حب وطن با تیر باران می‌رود

(محمد وارسته)

از آتش مقدس تو ای وطن

تفسیر صد کتاب اوستا نوشته ایم

(محمد وارسته)

درود به روان رادمردان آزاده ای که با نثار خونشان لاله زار وطن را آبیاری

نمودند.

در کف مردانگی شمشیر می‌باید گرفت

حق خود را از دهان شیر می‌باید گرفت

تا که استبداد سر در پای آزادی نهد

دست خود بر قبضه شمشیر می‌باید گرفت

(فرخی یزدی)